

قانون اساسی و حقوق شهروندی

اصالت و قدامت حقوق بر قانون

حقوق منشأ ایجاد و مظهر قانون است

قابل توجه خواننده عزیز: درین نبشته پرسشها و چرا های! چون نواقص، عدم تطبیق، نقض و تناقضات، عدم رعایت احکام قانون اساسی و سایر قوانین مورد بررسی نیست. و صرف چگونگی ایجاد آن بر مبنای اراده و خواست مردم و قدامت و اصالت حقوق نسبت به قانون مطرح است.

حقوق افراد بشر اگر موجودیت دیرینه داشته و با ظاهر عریان به صفت منابع قانون در جامعه طرف استفاده باشد و یا با ظهور جدید خویش هنوز طرف استفاده قرار نگرفته و شامل منابع قانون نیست و قانون از آن درون مایه و پیرایه وجودی نمیگیرد، خواهی نخواهی در بدنه حقوق جامعه و افراد آن شامل اند.

ببینید: ارزشهای دینی و مذهبی، محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر و یا مجموع هر آنچه به حقوق حقه انسان تعلق می گیرد اگر دیرینه است و یا نو ظهور - چون تخنیک دنیای مدرن فعلی و استفاده از آلات و ادوات ظریفه دنیای مجازی ساخت مغز و دست بشر از کمپیوتر و انتر نت تا سلاحهای بیحساب کنونی با در نظر داشت مجاز و غیر مجاز بودن و یا سؤ استفاده از آن که قانون تنظیمش نماید همه و همه از حیطة حقوق مسلم بشری بیرون نبوده و به صفت منابع قانون مربوط حقوق افراد جامعه شناخته میشوند که نسبت به ایجاد قانون قدامت ثابت و سابق دارند و استفاده از محتوای آن مایه ساز قانون شمرده میشوند: جهد و جهش مردمی برای احقاق حقوق که شامل مجموع (منابع قانون در جامعه) می باشد باعث میگردد که با رویکرد و مستند سازی موجودیت حقوق و منابع قانون منحیث یک قرارداد بین قدرت بر سر اقتدار و جامعه که مظهر اراده مردم شناخته میشود سند معتبر حقوقی بوجود می آید و جانبین را به رعایت مواد خود مکلف می سازد و این سند با تشریفات معمول اجتماعی و حقوقی تصویب و راجستری شود که طور میرهن اصالت حقوق بر قانون را روشن و برجسته می نماید.

همانطوریکه گفته آمدیم: تبارز اراده افراد جامعه منحیث مستحقین واقعی و دارندگان حقوق مشروع بشری در راه احقاق حقوق و تقاضای بر حق و مدلل شان بر مبنای منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشرو تثبیت و تسجیل حقوق یاد شده درج یک سند

حقوقی که روی ضرورت و منافع جامعه استوار باشد اساس ایجاد و موجودیت یک قانون معتبرمکتوب بنام قانون اساسی می‌گردد که جبر و ایجاب زمان، بیداری و حق شناسی افراد جامعه توأم با چشم‌دید و درک واقعیت‌های زندگی مرفه سایر ملل، انگیزه و محرک در تقویۀ چنین خواسته‌ها و تقاضاها بوده و منشأ ایجاد قانون و رسمیت بخشی و تسجیل حقوق و راجستر آن درج قانون میشود.

بر باور من؛ نگرش دقیق و تفکر عمیق؛ در اصولیکه اقامه شد، ما را به سرحدی قابل درک خواهد برد که جامعه و شهروندان هر جغرافیای بنام وطن و میهن به طریقه‌های مختلف اگر به میل و رضائیت قدرت‌ها و یا رژیم‌های بر سر اقتدار و یا سازش و همسوئی با جبر زمان و یا انگیزه‌ها و علل مختلف دیگر باشد، زمینه ساز ایجاد سند معتبر حقوقی و این مأمول مقدس می‌گردد که اتباع مملکت از حقوق مسلم بشری و اساسی خود‌ها مستفید و سند و کتابتی بر حقانیت و اعتبار تأدیۀ حقوق بمیان آید بی شبهه چنین زمینه بستر مساعد برای ایجاد قانون اساسی نیز بوده می‌تواند، البته چگونگی و ابعاد مختلف ایجاد چنین سند حقوقی که وسیله نمایندگان واقعی و با صلاحیت مردم صورت می‌گیرد مُکمل این پروژه است.

نباید فراموش کنیم؛ زمانیکه سند حقوقی متذکره تحت شرایط خاص و موافقۀ جانبین (قدرت و افراد جامعه) با رعایت منشور ملل متحد و اعلامیۀ جهانی حقوق بشر ضمن تشریفات معمول حقوقی بر مبنای عدالت اجتماعی بمیان می‌آید مأمول اساسی در راستای ایجاد این سند معتبر بر آورده میشود که ریشه در ورای این سند همان حقوق اساسی اتباع و یا همان حقوقیکه اصالت قبلی بر قانون دارد نهفته است، زیرا با اندک مکث و تأمل در می‌یابیم که انگیزه‌ها و قوت‌های محرکه در ایجاد چنین خواست و تقاضا، آگهی و درک مردم از حقوق مسلم خود‌ها و موجودیت و قدامت حقوق‌شان، سبب مکتوب و ایجاد چنین سند حقوقی می‌گردد.

و در حقیقت بنای این سند معتبر حقوقی (قانون اساسی) استوار بر حقوق مردم و منافع جامعه می‌باشد که متکی بر اراده و خواست افراد جامعه ایجاد و سند مبادله شده بین دولت و مردم بنام (قانون اساسی) همین واقعیت را می‌رساند.

موقع خوبی است تا از بعضی مواد قانون اساسی فعلی میهن ما بدانیم:

بند اول ماده چهارم قانون اساسی:

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که بطور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آنرا اعمال می‌کند.

(نویسنده: منظورم از ذکر جزء ماده چهارم قانون اساسی همانا «حاکمیت ملی» است که شامل حقوق ملت و اتباع آن می‌باشد. زیرا مردم جامعه عاقل و قادر به تشخیص منافع و مصالح خود‌ها بوده و می‌توانند حق حاکمیت ملی را تمثیل و حکومت مردم بر مردم را اعمال نمایند.)

ببینید: اگر در محتوای قانون اساسی و مواد مندرج آن: از حفظ و رعایت ارزشهای دین و مذهب، گسترش عدالت اجتماعی، جامعه مدنی، ایجاد جامعه عاری از ظلم و استبداد، رفع تبعیض و خشونت، حفظ کرامت و حقوق انسانی، امنیت، عدم ظلم و استکبار، رشد اقتصاد و فرهنگ، تحکیم وحدت ملی و... و... غیره که امر و نهی‌های در بر دارد

توجه کنیم؛ همه حقوق و منافع عامه را در راستای حقوق افراد جامعه بشری انعکاس می دهد که دولت مطابق احکام همین قانون اساسی مکلف به حفظ و ادای آن گردیده است. بر همین بنیاد بخش عمده و مهم قانون اساسی که بر تصریح حقوق و منافع اتباع جامعه تکیه دارد وزنه آن بر اهمیت حقوق اساسی افراد جامعه زیاد و آشکار است. قانون اساسی از؛

ماده ۲۲ تا ماده ۵۹ بطور مشخص حقوق اساسی اتباع را تصریح و در مندرجات همین مواد و سایر مواد لازم افتاده است بر حقوق و وجایب اتباع تأکید می نماید.

کنون مدلل و مستند بر متن ارائه شده میتوان باور کرد که: (قدامت و اصالت حقوق افراد جامعه بر قانون اساسی و سایر قوانین مُستدل و مدلل بوده و قانون اساسی که سند معتبر حقوقی به شمار می رود بر مبنای حقوق افراد جامعه که منبع اصلی و اساسی آن است بوجود می آید و طبق تشریفات معمول حقوقی مکتوب و راجستر می شود). پس با دقت کامل در می یابیم که سایر محتوا و مندرجات قانون اساسی چگونگی توصل بر مرام و اهداف یاد شده و راه و طُرق سهل آن را که تأمین حقوق اتباع جامعه است بر جسته می سازد.

اگر در راستای مطالب یاد شده وظیفه و مکلفیت های دولت و دولت مداری را در الهام از رونق یابی طریقه های سیستم دولتی جهان با توجه به واقعیت های عینی سایر ممالک در نظر گیریم در می یابیم که: مکلفیت های دولت ، صلاحیت و وظیفه رئیس جمهور، تفکیک قوای ثلاثه با مفهوم واقعی آن در بدنه سیستم دموکراسی راستین - در ظاهر امر همه برای توصل، رعایت و تأدیة حقوق افراد جامعه که مسجل در قانون است بنا یافته و به عنوان وسیله برای رسیدن به اهداف یاد شده قرار داده شده اند. به امید تحقق این امر و مرام.

عرض حرمت : سخی صمیم.
